

شور-را

گروه

Sh o w R a

سبک: تلفیقی - آرت پرفورمنس

showra_show



خواننده ، آهنگساز ، تنظیم کننده ، ترانه سرا : شورا کریمی

@shorakarimi



رهبر ارکستر / گیتار باس : دکتر حامد طاهری

@hamed_bassist



دramaz: روزبه پهلوانی نژاد

@roozbeh_pahlevaninejad



گیتار: تورج توسلنی نیا

@tourajtavassolinia



ترک لیست

آهنگ (۱) عقاب

آهنگ (۲) زمین

آهنگ (۳) گلی

آهنگ (۴) در

آهنگ (۵) رباعیات

آهنگ (۶) خانه دوست

آهنگ (۷) باغ

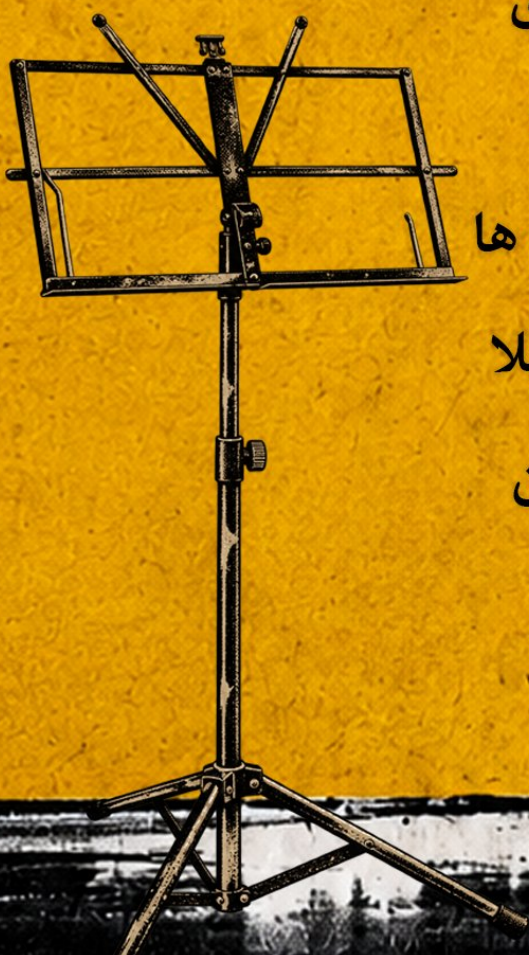
آهنگ (۸) مشرق

آهنگ (۹) برف

آهنگ (۱۰) ستاره ها

آهنگ (۱۱) سر ویلا

آهنگ (۱۲) فرمان





((عقاب))

نه به خانه تاب داری نه خوراک و خواب داری
نه به حالتی نمودی که چنین عذاب داری
نه به قصه ای شبیهی نه به باوری دجاری
تو کبوتر سپیدی که دل عقاب داری
تو چه بیقراری ای دل غم روزگاری این دل
هوس عذاب داری سر خود نداری ای دل
چو به آسمان پریدی به سکوت کوهساران
به فراز ابر رفتی نه به ارتفاع باران
پرو بال آرزویت هدف شکار شب شد
تو از این درد نگفتی نه به دشمنان نه یاران
تو چه بیقراری ای دل غم روزگاری این دل
هوس عذاب داری سر خود نداری ای دل

((زمین))

این زمین فقط یه سنگه ترکش یه انفجاره
پیش اقیانوس دنیا عرض و طولش خنده داره
اما اینجا عشق داریم فرق این زمین به اینه
من زمین رو دوست دارم چون که خونه ت رو زمینه
اگه منشا حیات رو زمین خورشید باشه
یا همه جهان هستی مورد تردید باشه
رو زمین ما عشق داریم فرق این زمین به اینه
من زمین رو دوست دارم چون که خونه ت رو زمینه
این یه معجزه است که با هم ما مسافر زمینیم
اینکه ما روی زمین تو یه زمان همو ببینیم
اینکه دنیا نمی تونه جلوی عشقو بگیره
آسمون هر جا که باشه رو زمین عشق نمی میره

((گلی))

شاعر : محلی

بلندی دو زلفونت مرا کشت گلی
همون زلفای پریشونت مرا کشت گلی
همی وعده دهی امروز و فردا کنی
سیاهی دو چشمونت مرا کشت گلی
خودت گل دامت گل کفش پات گل گلی
به گلزارت می آیم همچو بلبل گلی
اگه یک شو به باغت جایی گیرم گلی
بگردم شاخه شاخه مثل بلبل گلی
گلی گلی گلی تو گلعداری گلی
گل نشکفته ی فصل بهاری گلی
روز نوروز به دیدارت میایم گلی
مبارک بادت عید شهریاری گلی
گل سرخ و گل زرد و گل یاس گلی
گلی جون دختر همسایه ی ماست گلی
نه به ما می دهند نه می فروشند گلی
همین خوبه که سایه ش بر سر ماست گلی

((در))

شاعر : ابوالقاسم اعلامی

اگه ماه از آسمون پایین بیاد در بزنه
اگه مرغ بخت و اقبال رو سرم پر بزنه
اگه رعد آسمون داد بزنه
تو سرم هزار تا فریاد بزنه
چون تو مهمون منی درو وا نمیکنم
مونس جون منی درو وا نمیکنم
اگه بر بال هما تخت سلیمون بذارن
پریا هدیه برام تاج جواهر بیارن
ستاره ها زمین بیان در بزنن
شب تا سحر صد بار به من سر بزنن
اگه از قصر بلند آسمون اگه از بهشت عشق پریون
کنیزای مو طلایی سحر بیارن هزارتا مژده و خبر ستاره
ها زمین بیان در بزنن
شب تا سحر صد بار به من سر بزنن
چون تو مهمون منی در وا نمیکنم

((رباعیات))

شاعر : ابو سعید ابولخیر

پرسیدم از او واسطه ی هجران را
گفتا سببی هست بگویم آن را
من چشم توام اگر نبینی چه عجب
من جان توام کسی نبیند جان را
در کوی تو میدهند جانی به جویی
جانی چه بود که کاروانی به جویی
از وصل تو یک جو به جهانی ارزد
زین جنس که ماییم جهانی به جویی
عشق تو بلای دل درویش من است
بیگانه نمی شود مگر خویش من است
گفتم سفری کنم ز غم بگریزم
منزل منزل غم تو در پیش من است
شب امد و باز رفتم اندر غم دوست
هم بر سر گریه ای که چشمم را خوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت

((خانه ی دوست))

مثل اجزای جهان بی تابم هر کسی در افق این خوابم
من کیارستمی ام سهرابم یا سوالی که سر آغاز بلاست
«خانه دوست کجاست

نفس رودکی ام آوازم خواجه می زده ی شیرازم
خان بلخ ام فاش گفتم رازم آتش و آب و زمین باد
«هواست «خانه دوست کجاست

بارها عازم این راه شدم راهی میکده ی شاه شدم باز
گولم زد و گمراه شدم عقل هم سفره ی مادربه
«خطاست «خانه دوست کجاست

خانه ی دوست کجاست
خانه ی دوست کجاست
خانه ی دوست کجاست



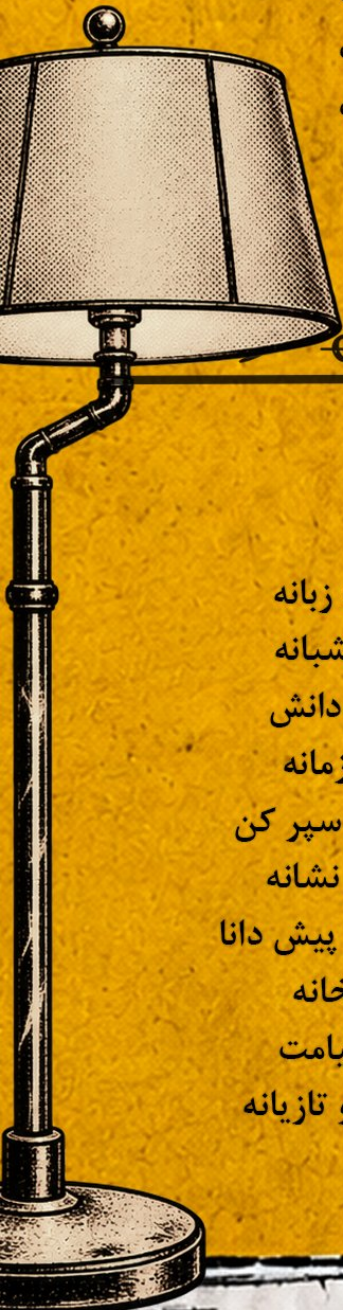
((عجب باغی))

تو را از غم کشیدم شاد کردم
مرا خواندی تو را فریاد کردم
اسیر من شدی بی دست و پایی
تو را از دست خود آزاد کردم
عجب باغی که من ترتیب دادم
عجب شهری که من آباد کردم
تو را بیدار کردم خواب بودی
درون جان خود بی تاب بودی
گمان کردی صبوچی آب بودی
عدم بودی تو را ایجاد کردم

((مشرق))

شاعر : سعدی

می برزند ز مشرق شمع فلک زبانه
ای ساقی صبوچی در ده می شبانه
عقلم بدزد لختی چند اختیار دانش
هوشم ببر زمانی تا کی غمه زمانه
گر سنگ فتنه بارد فرق من اش سپر کن
گر تیر طعنه آید جان من اش نشانه
گر می به جان دهندت بستان که پیش دانا
ز آب حیات بهتر خاک شرابخانه
دیوانگان نترسند از صولت قیامت
بشکبید اسب چوبین از سنگ و تازیانه



((ستاره ها))

از ستاره‌هایی که تو آسمون
می‌بینی نمی‌دونی کدومشون
می‌درخشن اما زورشون میاد
یا که مردن تنها نورشون میاد
وقتی سر رو به ستاره‌ها کنی
نمی‌دونی که به چی نگا کنی
مثل خورشید بعضیا مشهورن
بعضیاشون ناشناس و دورن
چندتا شون خرسای کوچیک و بزرگ
چندتا دور هم مثل یه دسته گرگ
کمترین فاصله سال نوریه
راز اینکه برقرارن دوریه
یکی دور اون یکی میگرده
که خودش مدارشو گم کرده
پشت این اما یه نظم ساده س
حتی اشتباه رو برنامه س

((سر ویلا))

تو رفیق دل تنهای منی
آسمون من و دریای منی
من مٹ حال زمین زشت شدم
تو قشنگی تو مسیحای منی
اونکه با یاد تو ویرونه منم
مٹ چشم تو پریشونه منم
اونکه

مٹ بدحالی تهرونه منم
سر ویلا تو کلیسای منی
اینروزا یکسره بارونه دلم
با یه حرف ساده داغونه دلم
غم نغمه های ایرونه دلم
من یه مجنونم و لیلای منی
توی هر حادثه همراه شدی
توی تاریکی شب ماه شدی
زائر خسته شدم راه شدی
تو که محراب و چلیپای منی



((برف))

بشاعر: بیژن الهی
آن پرنده که بالای کوه خانه ساخته
از برف همیشگی نمی‌شود شناخته
می‌گوید بیا بیا چرا نیایی اینجا
می‌داند نمی‌شود به پا آمد می‌داند
میداند میان راه می‌افتم
او همین را می‌خواهد
تا بیاید مرا بلند کند
ببرد آن بالا رنگ برف کند

((فرمان))

شاعر: مولانا

به خط خویشن فرمان بدستم داد آن سلطان
که تا تخت است و تا بخت است او سلطان من باشد
چه زهره دارد اندیشه که گرد شهر من گردد
که قصد ملک من دارد چو او خاقان من باشد
نبیند روی من زردی ز اقبال لب لعلش
بمیرد پیش من رستم چو او دستان من باشد
بدرم جبه ی مه را بریزم ساغر شه را
اگر خواهند تاوانم هم او تاوان من باشد



گروه اجرایی

مشاور مارکتینگ : دانیال احمدی @Danny_manqutai

ویدیو آرت : پدram بهرامی..... @pedrambahrami.id

نور : امیر ناظری @realamirnazeri

ال ای دی : بهمن صادقی..... @bahman.sadeghi.63

گروه تصویر و طراحی : گروه کنتراست @contrast.ir

سرپرست گروه : امید حسنی @hassaniomid

امیر حسین ادهمی @amir_adhamii

احسان ادهمی @ehsan_adhami

عرفان ادهمی @_ergraph_

حمید احمدی @hamid_lord15



تهیه کننده : امید حسنی

@hasaniomid

برگزار کننده : موسسه هنری سرایه

@soraye.co

